

سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی و عدم جهانی‌شدن ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی

چکیده

ادبیات داستانی یکی از ابزارهای اصلی انتقال گفتمان‌های فرهنگی و سیاسی هر ملت به جهان بیرونی است. در ایران پس از انقلاب اسلامی، ادبیات داستانی انقلابی با وجود پشتوانه ایدئولوژیک و ظرفیت‌های بیانی، موفق به حضور مؤثر در عرصه بین‌المللی نشده است. این پژوهش با هدف تحلیل ساختاری موانع جهانی‌شدن ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی، بر سه متغیر کلیدی تمرکز دارد: عدم عضویت در کنوانسیون برن، به‌عنوان رکن حقوقی حمایت جهانی، ضعف جریان ترجمه و تعاملات بین‌المللی، و عملکرد ناکارآمد آژانس‌های ادبی داخلی. ضرورت این پژوهش از آن‌روست که جهانی‌سازی ادبیات انقلابی، نه تنها در ترویج گفتمان فرهنگی جمهوری اسلامی نقش دارد، بلکه در ارتقاء دیپلماسی نرم و تثبیت هویت فرهنگی نیز مؤثر است. سؤال اصلی مقاله این است که چه ساختارها و سیاست‌های کلان فرهنگی مانع از جهانی‌شدن ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی ایران شده‌اند؟ در چارچوب نظریه دیپلماسی نرم، فرضیه پژوهش این است که نبود زیرساخت‌های حقوقی بین‌المللی، ناکارآمدی نهادی در حوزه ترجمه، و غیبت واسطه‌های حرفه‌ای نشر، سه عامل بنیادین این ناکامی‌اند. یافته‌ها، بر اساس تحلیل اسنادی و داده‌های آماری ترجمه آثار فارسی (۱۳۶۸-۱۳۹۲) نشان می‌دهد که تنها بخش بسیار محدودی از این آثار به زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند، و سهم نویسندگان انقلابی در این میان ناچیز است. در پایان راهکارهایی برای ارتقا جایگاه این ادبیات ارائه شده است. واژگان کلیدی: ادبیات داستانی انقلابی، جهانی‌سازی فرهنگی، سیاست‌های فرهنگی، دیپلماسی نرم، آژانس‌های ادبی.

The Islamic Republic's Cultural Policy and the Lack of Globalization of Revolutionary Writers' Fiction

Fictional literature serves as a key instrument for conveying the cultural and political discourses of any nation to the global audience. In post-revolutionary Iran, despite its ideological foundations and expressive capacities, revolutionary fiction has not achieved a significant international presence. This study aims to structurally analyze the obstacles hindering the globalization of revolutionary fiction authored by Iranian writers, focusing on three critical variables: non-membership in the Berne Convention as a legal pillar of international protection, weaknesses in translation flows and international interactions, and the inefficiency of domestic literary agencies. The necessity of this research lies in the fact that the globalization of revolutionary literature not only promotes the cultural discourse of the Islamic Republic but also plays a vital role in advancing soft diplomacy and reinforcing cultural identity. The main research question addresses which structural and macro-cultural policies prevent the internationalization of revolutionary fiction in Iran. Within the theoretical framework of soft diplomacy, the hypothesis posits that the absence of international legal infrastructure, institutional inefficiency in translation, and the lack of professional publishing intermediaries are fundamental causes of this failure. Findings, based ۲۰۱۳to ۱۹۸۹on documentary analysis and statistical data of Persian translations from in the Iranian calendar), reveal that only a very limited portion of these works ۱۳۹۲-۱۳۶۸(has been translated into other languages, with revolutionary authors' share being negligible.

Finally, the study proposes strategies to enhance the global standing of this literary genre.

Keywords: Revolutionary fiction, cultural globalization, cultural policies, soft diplomacy, literary agencies.

مقدمه

ادبیات داستانی، افزون بر کارکرد زیبایی‌شناختی و سرگرم‌کننده‌اش، یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی در بازنمایی هویت جمعی، تقویت سرمایه نمادین، و گفت‌وگوی تمدن‌هاست. جهانی‌شدن ادبیات نه تنها موجب توسعه بازار مخاطبان و تعامل میان فرهنگ‌ها می‌شود، بلکه به کشورها این امکان را می‌دهد که روایت خود از تاریخ، جامعه و ارزش‌هایشان را در سطح بین‌المللی عرضه کنند. در دنیای معاصر، کشورهایی که توانسته‌اند ادبیات خود را به بازار جهانی معرفی کنند، عملاً بخشی از تصویر فرهنگی خود را در حافظه جهانی تثبیت کرده‌اند. ادبیاتی که جهانی نشود، حتی اگر درون‌مرزها غنی و پُرثمر باشد، در نهایت در انزوای زبانی و جغرافیایی گرفتار می‌ماند و سهمی از گفتمان‌های جهانی نخواهد داشت.

با این حال، تجربه جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که علی‌رغم برخورداری از گفتمان‌های متمایز فرهنگی، ادبیات داستانی آن به‌ویژه آثار نویسندگان انقلابی حضور معناداری در سطح بین‌المللی نداشته‌اند. این در حالی است که مضامین پررنگی مانند مقاومت، عدالت‌خواهی، معنویت، و هویت دینی که در آثار نویسندگان انقلابی ایران نمود دارند، ظرفیت جذب مخاطب جهانی، به‌ویژه در جهان جنوب و جوامع مسلمان، را دارا هستند. تحلیل وضعیت ادبیات داستانی انقلابی در عرصه بین‌الملل نشان می‌دهد که موانع گوناگونی در مسیر جهانی‌شدن این آثار قرار داشته است؛ از جمله عدم عضویت ایران در معاهدات بین‌المللی حمایت از حقوق مؤلف، ضعف جریان ترجمه و نبود سیاست‌گذاری فعال در تربیت مترجمان حرفه‌ای، عملکرد محدود و پراکنده آژانس‌های ادبی، و فقدان برنامه‌های منسجم برای ترویج آثار انقلابی در فضای بین‌المللی نشر. این عوامل به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم باعث شده‌اند که صدای فرهنگی انقلاب اسلامی در قالب ادبیات داستانی، از مرزهای زبان فارسی فراتر نرود و جایگاهی در گفتمان جهانی پیدا نکند. از این منظر، سؤال اصلی پژوهش این است که چه ساختارها و سیاست‌های کلان فرهنگی مانع از جهانی‌شدن ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی ایران شده‌اند؟

و در پاسخ به این سؤال، فرضیه اصلی چنین مطرح می‌شود: نبود زیرساخت‌های حقوقی بین‌المللی، ضعف در سیاست‌های ترجمه، و ناتوانی نهادهای واسطه‌ای در نشر از جمله آژانس‌های ادبی، سه عامل اصلی جهانی‌نشدن ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی ایران‌اند؛ و این وضعیت مانع از نقش‌آفرینی این ادبیات در فضای فرهنگی بین‌الملل شده است.

بیان مساله

با وقوع انقلاب اسلامی ای ادبیات نویسندگان انقلابی ظهور پیدا کرد. در یک تعریف ادبیات انقلاب را میتوان مجموعه آثاری دانست که به طورخاص به انقلاب اسلامی و وقایع پیرامون آن پرداخته اند، و در طرف دیگر تمام آثاری که بعد از انقلاب اسلامی ۵۷ در عرصه ادبیات نگاشته شده را می توان در این طیف جای داد. این دو دیدگاه هر کدام موافقان و مخالفانی دارد.

عباس پژمان پژوهشگر و مترجم آثار ادبی معتقد است، می توان تمام داستانها و رمانهایی که بعد از انقلاب نوشته شده است را داستان انقلاب نامید، چرا که از دید او موضوع این داستانها تماما با داستانهایی که قبل ازانقلاب نوشته شده است متفاوت می باشد. و می توان یک نوع اخلاق گرایی را در داستانهای بعد از انقلاب دید، پژمان همچنین معتقد است که حجم عمده ای از رمانهای بعد از انقلاب یا موضوع خود انقلاب را روایت میکنند و یا موضوعاتی را روایت می کنند که انقلاب آنها را به وجود آورده است. (حنیف، ۱۳۹۵: ۳۵۳-۳۵۴)

از طرفی محمد رضا سرشار (رضا رهگذر) معتقد است " هر داستانی که موضوع اصلی آن مخالفت و مبارزه با رژیم فاسد گذشته حاکم برکشور بوده، ادبیات انقلاب است ". (سرشار، ۱۳۹۲: ۱۶۳) در این تعریف دیگر راست، چپ، مذهبی، غیرمذهبی و لیبرال محلی از اعراب نخواهد داشت. اما او در ادامه اظهار میدارد که " هرچه تعریف را خاص تر و بسته ترکنیم، می توان بحث علمی تری کرد، بنابراین می توان گفت ادبیات داستانی انقلاب مورد نظر ما، ادبیاتی است که مسایل انقلاب را به عنوان موضوع اصلی و محوری خود مطرح کرده باشد. " (همان، ۱۶۴)

دکتر غلامرضا کافی نیز در کتاب "شناخت ادبیات انقلاب اسلامی"، دو محور را در تعریف ادبیات انقلاب اسلامی مهم می داند، اول این که ادبیات انقلاب اسلامی، باید مسایل انقلاب اسلامی را به عنوان موضوع اصلی و محوری خود مطرح کرده باشد و دوم اینکه ادبیات انقلاب اسلامی شامل مجموعه آثاری است که با توجه به سابقه مبارزات گروه ها و شخصیت های اسلامی نوشته شده باشد که از نگاه غلامرضا کافی از زمان شیخ فضل الله نوری و دوره مشروطیت شروع می شود و سپس با ورود به دوره مدرس، فداییان اسلام، پانزده خرداد، و مبارزات هیات های متلفه، به ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی ختم میشود (کافی، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

ضرورت این پژوهش از این جهت قابل تأکید است که با تحلیل دقیق سیاست‌های فرهنگی و شناسایی موانع ساختاری موجود، بتوان زمینه‌های لازم برای جهانی‌شدن ادبیات داستانی انقلابی به عنوان ابزاری مؤثر در دیپلماسی نرم جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورد.

چارچوب نظری

نظریه «قدرت نرم» نخستین بار توسط جوزف نای (Joseph S. Nye)، استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه هاروارد، در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. وی در برابر نظریه‌پردازان واقع‌گرا که قدرت را در توان نظامی و اقتصادی دولت‌ها خلاصه می‌کردند، بر نوعی از قدرت تأکید کرد که می‌تواند بدون اجبار، تحمیل یا تطمیع، بر رفتار سایر بازیگران تأثیر بگذارد. این نوع قدرت، که نای آن را «قدرت نرم» نام نهاد، متکی بر جاذبه فرهنگی، ارزش‌های هنجاری، مشروعیت سیاسی مثبت از یک کشور در جهان است (Nye, ۲۰۰۴). پیش از مطرح شدن نظریه قدرت نرم توسط جوزف نای، مفهوم قدرت عمدتاً به توانایی تحمیل اراده بر دیگران یا وادار ساختن آن‌ها به انجام کاری تعبیر می‌شد. اما نای با نگاهی متفاوت و تحلیلی نوین، فراتر از نگاه واقع‌گرایانه سنتی در روابط بین‌الملل، مفهوم جدیدی از قدرت را ارائه داد که بر اقناع، جاذبه و مشروعیت استوار است. او این نظریه را در راستای حفظ و تقویت موقعیت جهانی ایالات متحده توسعه داد و در ادامه، با تلفیق مؤثر قدرت سخت و نرم، مفهوم قدرت هوشمند را معرفی کرد. اهمیت رویکرد نای در این است که نشان می‌دهد در شرایط پیچیده و بین‌المللی امروز، کشورها ناگزیرند از الگوهای جدیدی از قدرت بهره بگیرند. عواملی نظیر هزینه، زمان، وجهه بین‌المللی، اولویت یافتن همکاری‌های بین‌کشوری، گسترش ارتباطات و افزایش حجم اطلاعات، دولت‌ها را به سمت درک و استفاده‌ای نو از مقوله قدرت سوق داده است. بنابراین امروزه همه دولت‌ها به خصوص آن‌هایی که به صورت بالقوه دارای منابع متعدد قدرت هستند توانایی بر شناسایی منابع قدرت خود دارند و هدف آنها استفاده بیشتر از منابع قدرت نرم و هوشمند برای نیل به اهداف خود است. تحلیل و ارزیابی نظریات نای در حوزه مفهوم قدرت نشان دهنده این موضوع است که در دوران جدید در واقع عرصه ظهور قدرت محدود نشده، بلکه شکل و کیفیت اعمال قدرت تغییر کرده است (شهرستانی، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

مفهوم تازه قدرت در اندیشه نای از جایی سرچشمه می‌گیرد که او آن را "توانایی تغییر در رفتار" در برابر توانایی انجام کار یا "اجبارکنندگی" می‌داند (نای، ۱۳۸۲: ۳۶۵). به نظر نای این قدرت نرم عبارت است از توان اثرگذاری بر دیگران از طریق اهرم‌های تعیین چارچوب مشخص برای برنامه کار، ایجاد رغبت و جاذبه مثبت در راستای کسب نتایج دلخواه (نای، ۱۳۹۲: ۴۷).

نای معتقد است که قدرت نرم روشی است برای رسیدن به نتایج دلخواه بدون تهدید و تشویق آشکار و محسوس. نگاه نای به مفهوم نرم‌افزاران قدرت نگاهی مبتنی بر جذب و اغواگری است. نتیجه اغواگری فرهنگی، سیاست خارجی موفق و در نهایت کسب مطلوبیت‌ها در حوزه‌های مختلف است. نای از ویژگی‌های ذاتی فرهنگ، سیاست خارجی موفق به عنوان منابع قدرت نرم یاد می‌کند (نای، ۱۳۹۲: ۱۲۲). این سه منبع غیرمادی و نامشهود در مقابل منابع مادی و ملموس قدرت سخت، مانند ابزارها و تجهیزات نظامی قرار می‌گیرند. این منابع کلیدی می‌توانند به کشورها کمک کنند تا اهداف خود را در سطح بین‌المللی به‌طور مؤثری دنبال کنند و هر کشوری که در این ابعاد توانمندی قابل قبولی داشته باشد، قادر خواهد بود به‌خوبی در برابر تهدیدات و جریان‌های مرتبط با قدرت نرم مقاومت کرده و علاوه بر آن، قدرت نرم خود را بازتولید و تقویت نماید (سوری قریبوند و رشیدی، ۱۳۹۰: ۷). از نظر نای فرهنگ باید دارای گزاره‌هایی جذاب و قابل پذیرش برای مردمان دیگر کشورها و با فرهنگ‌های متفاوت باشد. نای معتقد است وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل می‌شوند و بنیاد سیاست‌های آن را علایق و ارزش‌های مشترک جهانی تشکیل دهند احتمال این که نتایج مطلوب تحصیل شود افزایش می‌یابد (نای، ۱۳۸۹: ۵۲).

نای معتقد است که عناصر فرهنگی در هر صورت بسته به نوع استفاده کشور از آن می‌توانند منبع مولد قدرت نرم باشند. بدیهی است که تأثیرگذاری قدرت نرم، به‌ویژه در بعد فرهنگی آن، در مقایسه با قدرت سخت، نیازمند زمان بیشتری است و تحقق نتایج آن در بلندمدت ممکن می‌شود. از این‌رو، این مسیر مستلزم بردباری و پایداری از سوی سیاست‌گذاران است. به باور جوزف نای، برخلاف ابزارهای سیاست‌گذاری که در اختیار دولت‌ها قرار دارد، عناصر فرهنگی و ارزش‌ها ریشه در بسترهای جامعه مدنی دارند و نمی‌توان آن‌ها را به‌صورت مستقیم و فوری هدایت یا کنترل کرد. (نای، ۱۳۹۲: ۱۲۲). در نتیجه، گسترش جامعه مدنی و تقویت ارزش‌های فرهنگی، ملی و میهن‌دوستانه می‌تواند به افزایش روحیه ملی و تقویت اعتماد جمعی در مسیر بهره‌گیری از قدرت نرم بینجامد. هر یک از عناصر فرهنگی، در صورتی که از قابلیت جذب مخاطبان منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار باشند، قادر خواهند بود در قالب یک چارچوب گفتمانی، توجه و تعامل دیگران را برانگیزند. زمانی که سایر کشورها وارد این گفتمان فرهنگی جذاب می‌شوند، آن کشور مبدأ می‌تواند بدون توسل به زور یا اجبار، و از طریق ایجاد کشش‌های فرهنگی یا حتی اغواگری، اهداف راهبردی خود را پیش ببرد. در این میان، برخورداری از سرمایه فرهنگی غنی نقشی اساسی ایفا می‌کند، چرا که فرهنگ‌های ازکارافتاده یا فراموش‌شده، در این عرصه رقابت، جایگاهی نخواهند داشت. تنها فرهنگ‌هایی که زنده، پویا و دارای عناصر چشم‌گیر و جذاب‌اند، می‌توانند در این رقابت گفتمانی مؤثر ظاهر شوند. این جذابیت‌ها اغلب در تولید آثار متنوع هنری، علمی و تمدنی بازتاب می‌یابند.

جوزف نای در این زمینه تأکید می‌کند که، اولاً، تنها بخش‌هایی از فرهنگ یک ملت که برای دیگران جذابیت دارد، می‌تواند به عنوان منبعی برای قدرت نرم مورد استفاده قرار گیرد؛ ثانیاً، فرهنگ‌های بومی و محلی، به دلیل محدود بودن دامنه تأثیرگذاری‌شان، کمتر از فرهنگ‌های فراگیر قابلیت تبدیل به قدرت نرم را دارند (نای، ۱۳۸۲: ۸۴). مهم‌ترین

کارکرد قدرت نرم را در حوزه فرهنگی می‌توان مشاهده نمود چرا که در این حوزه تولید جذابیت به منظور اقناع سازی و تاثیر گذاری فرهنگی صورت می‌گیرد و دیگر بخش‌ها را تحت تاثیر و نفوذ خود قرار میدهد. بنابراین از نگاه نای، ادبیات، رسانه، سینما، آموزش، و هنر، همگی در حوزه قدرت نرم قرار می‌گیرند، چرا که آنها به انتقال معانی، ارزش‌ها و هویت ملی به افکار عمومی جهانی کمک می‌کنند. هنگامی که فرهنگ یک کشور بتواند مورد تحسین و تقلید دیگران قرار گیرد، آن کشور در فضای بین‌المللی تأثیرگذارتر می‌شود؛ حتی بدون اتکا به زور یا فشار اقتصادی. در زمینه ادبیات داستانی انقلابی ایران، می‌توان ادعا کرد که ظرفیت‌های بالقوه برای ایفای نقش در این حوزه وجود داشته است: گفتمان عدالت‌خواهانه، مقاومت، معنویت، و مبارزه با استعمار از ویژگی‌های محتوایی ادبیات انقلابی‌اند که در شرایطی می‌توانند مورد توجه مخاطبان جهانی قرار گیرند. با این حال، ادبیات داستانی انقلاب اسلامی ایران به‌ندرت به زبان‌های دیگر ترجمه شده و در بازار جهانی کتاب حضور معناداری نداشته است. در پایان باید اذعان داشت که نظریه قدرت نرم به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چرا جمهوری اسلامی نتوانسته است از ادبیات انقلابی به عنوان ابزار سیاست فرهنگی و دیپلماسی عمومی بهره‌برداری مؤثری داشته باشد. عدم عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند برن (که حمایت حقوقی از آثار در سطح بین‌المللی را تضمین می‌کند)، ضعف در تربیت و هدایت مترجمان متخصص، ناکارآمدی آژانس‌های ادبی، و بی‌برنامگی در سیاست‌های ترجمه، همگی نقاط ضعف در زنجیره قدرت نرم ایران به شمار می‌آیند، در واقع، ادبیات می‌توانست حامل پیام فرهنگی انقلاب باشد، اما در غیاب نهادهای حمایتی مؤثر، نه تنها به قدرت نرم بدل نشد، بلکه در انزوای زبانی، حقوقی و ساختاری باقی ماند.

پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین درباره مفهوم قدرت، به‌ویژه قدرت نرم، به شکل گسترده‌ای در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دنبال شده‌اند. این پژوهش‌ها عمدتاً به تبیین ابعاد نظری، ساختاری و گفتمانی قدرت پرداخته و در مواردی به بررسی زمینه‌های بومی و فرهنگی آن در جمهوری اسلامی ایران نیز اشاره داشته‌اند. مروری بر این آثار، زمینه فهم عمیق‌تر از چیستی و کارکرد قدرت نرم در سیاستگذاری فرهنگی کشور را فراهم می‌سازد.

فتاحی، مسعود نیا و امام جمعه زاده (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه جوزف نای» به بررسی و تحلیل مفهوم قدرت و مولفه‌های آن در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل پرداخته‌اند. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش اساسی است که «قدرت چیست؟» و «وجه‌های مختلف آن کدامند؟» و نیز «هر یک از این وجوه از چه منابعی تشکیل شده‌اند؟» یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس دیدگاه اندیشمندان علوم سیاسی و به‌ویژه جوزف نای، قدرت دارای سه وجه سخت، نرم و هوشمند است.

افتخاری و کمالی (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای با عنوان «ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی» تلاش کرده‌اند تا ساحت‌های سازنده نظریه قدرت نرم در چارچوب گفتمان اسلامی را شناسایی و سازماندهی کنند. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که مفهوم قدرت نرم در گفتمان غربی اغلب تک‌بعدی و متمرکز بر جنبه مادی انسان است و بین قدرت و اخلاق تفکیک قائل می‌شود، که این امر موجب ناتوانی در درک سایر منابع قدرت می‌گردد.

در پژوهش «منابع نرم قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران با مطالعه کمی بر سیاست‌های کلی علم و فناوری» نوشته جعفری و قربی (۱۳۹۷)، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های کلان علم و فناوری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که منابع سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی به‌عنوان منابع اصلی قدرت نرم در این سیاست‌ها مطرح هستند و مهم‌ترین این منابع شامل ارتقاء منزلت بین‌المللی، توسعه همکاری‌های سازنده بین‌المللی، الهام‌بخشی، اقتصاد دانش‌بنیان و تجاری‌سازی علم و فناوری می‌باشد.

خسروی، جوادی و نعمتی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی هزار و یک‌شب با تأکید بر نظریه قدرت نرم میشل فوکو» نشان داده‌اند که حکایت‌های هزار و یک‌شب از منظر نقش و کارکرد اجتماعی، بازتاب گفتمان غالب قدرت نرم در بافت فرهنگی خود هستند.

با وجود غنای نظری در مطالعات پیشین، تاکنون کمتر به نسبت میان سیاستگذاری فرهنگی و عدم توفیق جهانی‌شدن ادبیات داستانی ایران از منظر قدرت نرم توجه شده است. پژوهش حاضر با رویکردی نو، تلاش می‌کند تا با تمرکز بر ادبیات داستانی به‌عنوان یکی از ابزارهای فرهنگی مؤثر در دیپلماسی عمومی، چرایی عدم تحقق جهانی‌شدن آن را در چارچوب سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و از منظر نظریه قدرت نرم واکاوی کند. این نگاه تازه می‌تواند خلأ موجود میان مطالعات نظری قدرت نرم و مصادیق فرهنگی در ایران را تا حدی پر کند.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی با رویکرد توصیفی. تحلیلی است و با استفاده از روش تحلیل اسنادی و داده‌های ثانویه به بررسی علل ساختاری جهانی‌نشدن ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی ایران می‌پردازد. گردآوری داده‌ها عمدتاً از طریق بررسی منابع مکتوب شامل اسناد رسمی، گزارش‌های آماری مرتبط با وضعیت ترجمه و انتشار بین‌المللی، قوانین مالکیت فکری، صورت گرفته است.

در مرحله نخست، داده‌های کتی مرتبط با ترجمه آثار داستانی از زبان فارسی به زبان‌های دیگر طی سه دهه اخیر (۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲) مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا روندها، میزان‌ها و سهم نسبی آثار داستانی انقلابی در فرآیند ترجمه بین‌المللی روشن شود. سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، ساختار نهادی ترجمه، وضعیت آژانس‌های ادبی، و سیاست‌های دولتی در حوزه ترویج ادبیات انقلابی در سطح جهانی تحلیل شده است.

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است؛ چراکه در تلاش است تا با شناسایی موانع موجود در سیاست‌های فرهنگی و سازوکارهای نشر، توصیه‌هایی برای اصلاح ساختارهای حمایتی و ارتقای جایگاه بین‌المللی ادبیات انقلابی ارائه دهد.

بحث و بررسی

۱- عدم بین‌المللی شدن ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی ایران

بین‌المللی شدن ادبیات به معنای فراتر رفتن آثار ادبی از مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و زبانی و ورود آن‌ها به عرصه‌های جهانی است که شامل ترجمه، نشر، توزیع بین‌المللی، تعامل با نهادهای فرهنگی جهانی و بهره‌گیری از سیاست‌های حمایتی دیپلماسی فرهنگی می‌باشد. ادبیات داستانی ایران تاکنون به دلایل متعددی، از جمله ناکارآمدی سیاست‌های فرهنگی که به جای حمایت از جهانی شدن، تمرکز را بر بازار داخلی قرار داده‌اند، نتوانسته جایگاه شایسته‌ای در سطح بین‌المللی کسب کند. در این بخش سه عامل اصلی بازدارنده حضور بین‌المللی ادبیات داستانی، به‌ویژه آثار نویسندگان انقلابی، مورد بررسی قرار می‌گیرد: عدم پیوستن ایران به کنوانسیون برن، ضعف جریان ترجمه و عملکرد نامطلوب آژانس‌های ادبی.

۱-۱- عدم الحاق ایران به کنوانسیون برن

معاهده برن به‌عنوان اولین چارچوب بین‌المللی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری شناخته می‌شود که مقرراتی را به منظور حفاظت از حقوق مؤلفان و خالقان آثار هنری و ادبی تدوین کرده است. این معاهده علاوه بر حفظ حقوق مادی پدیدآورندگان، انگیزه‌ای برای تولید آثار بیشتر فراهم می‌آورد و نقش مهمی در ترویج فرهنگ، ارتقاء دانش و پیشرفت فناوری در هر کشور ایفا می‌کند. هرچند عضویت ایران در کنوانسیون برن تابع سیاست‌های کلان‌تر کشور است، اما به‌روشنی می‌توان گفت که زیان ناشی از عدم عضویت برای مؤلفان، ناشران و سایر فعالان عرصه ادب و هنر، علی‌رغم قوانین و محدودیت‌های موجود، از مزایای عضویت به مراتب بیشتر است (صفایی، ۱۳۸۶، ۲۸). در حقوق ایران قوانین چندگانه‌ای وجود دارند که خیلی از آنها، از کنوانسیون برن دور نیستند، ایران به جای "معاهده برن"، از "قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان" که در سال ۱۳۴۸ تصویب شد، برای حفظ حقوق مؤلفان خود بهره می‌گیرد. ویژگی بارز این قانون محدودیت اجرای آن به داخل مرزهای ایران است. و از لحاظ بین‌المللی حمایت کافی از حقوق مؤلفان ایرانی فراهم نمی‌کند. عدم رعایت حقوق مؤلف تقریباً در تمام حوزه‌های هنری و ادبی ایران مشهود است و حتی بسیاری از این آثار با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می‌شوند، بدون آنکه حقوق مؤلف به‌طور کامل حفظ شود. در اینجا مشخص می‌شود که دغدغه اصلی، آثار غیرایرانی است، بنابراین در بعد اصلی حقوق مؤلف و کپی‌رایت مشکلی وجود ندارد، مشکل این است که به دیگران چنین فرصتی داده نمی‌شود یا اینکه آنها بتوانند ادعایی کنند و در ایران رسیدگی شود. حقوق داخلی کامل است، آثاری که در ایران تولید می‌شود حقوق مادی و معنوی دارد اما وقتی خارج از ایران باشد، تنها از اتباع ایرانی حمایت می‌شود و هنرمندان خارجی نادیده گرفته می‌شوند (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۶، ۳۱).

کنوانسیون برن بر سه اصل کلیدی استوار است: نخست، اصل رفتار ملی که بر مبنای آن، هر حقی در زمینه کپی‌رایت که یک کشور عضو برای شهروندان خود در نظر می‌گیرد، به همان شکل برای اتباع سایر کشورهای عضو نیز معتبر است. دوم، اصل حمایت بی‌قید و شرط که مطابق آن، حمایت از آثار ادبی و هنری بدون نیاز به انجام تشریفات قانونی و به‌طور خودکار انجام می‌شود. بنابراین، حقوق کپی‌رایت از لحظه خلق یا انتشار اثر به‌صورت اتوماتیک برقرار می‌شود و ضرورتی به ثبت رسمی آن در کشورهای عضو وجود ندارد. سوم، اصل استقلال حمایت حقوقی که به موجب آن، حقوق اعطا شده در هر کشور عضو به‌صورت مستقل از حقوقی است که ممکن است در کشور مبدأ اثر وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، اعتبار حقوق کپی‌رایت در یک کشور الزامی برای تبعیت از شرایط کشور مبدأ ایجاد نمی‌کند. با این حال، در مواردی که مدت حمایت در کشور مقصد بیشتر از کشور مبدأ باشد، اغلب پس از پایان دوره حمایت در کشور مبدأ، حمایت در کشور دیگر نیز خاتمه می‌یابد. بر اساس ماده ۷ این کنوانسیون، چنانچه قانون ملی کشوری ترتیب دیگری مقرر نکند، مدت حمایت از یک اثر نباید از مدتی که در کشور مبدأ تعیین شده، تجاوز کند؛ اصلی که به عنوان «قاعده مدت کوتاه‌تر» شناخته می‌شود (کریم زاده، ۱۳۹۵، ۸۲).

اساساً این کنوانسیون برای حمایت از مؤلفان و هنرمندان شکل گرفت. بنابراین، هر کشوری با عضویت در این کنوانسیون می‌تواند از مؤلفان و هنرمندان خود حمایت کند. اما کشوری که عضو کنوانسیون برن نیست، قطعاً با چالش‌هایی برای فعالیت هنرمندان و مؤلفانی با گستره دید جهانی مواجه خواهد شد. با عضویت در این کنوانسیون، هنرمندان

یک کشور، برای کسب حمایت‌های قانونی، نیازی به رفتن به دیگر کشورها ندارند. لذا کشور عضو معاهده، حریم امن مؤلفان و هنرمندان خواهد شد (بدخش، ۱۳۹۶: ۴۶). از سوی دیگر، پیوستن به سازمان تجارت جهانی، الزاماتی دارد. پیوستن به این سازمان، نیازمند پذیرش قواعد و مقررات ارائه شده از سوی آن است. یکی از مهمترین مقررات در این خصوص، کنوانسیون برن است. نمی‌توان عضو سازمان تجارت جهانی بود، اما به آثار و صنعت نشر در دیگر کشورها احترام نگذاشت. ورود به بستر تجارت جهانی، پذیرش قواعد و احکامی جهانی را می‌طلبد (بدخش، ۱۳۹۶: ۵۰).

یکی از مزایای مهم عضویت در کنوانسیون برن، تقویت جایگاه مترجمان و صنعت نشر داخلی است. در این چارچوب، فعالان داخلی در حوزه ترجمه و نشر ملزم خواهند بود تا از صاحبان اصلی آثار خارجی اجازه رسمی برای ترجمه یا تکثیر دریافت کنند و فرآیند بازتولید آثار را به شکل قانونی انجام دهند. از این طریق، شخص یا نهادی که موفق به دریافت این مجوزها می‌شود، از حقوق و امتیازات متعددی برخوردار خواهد شد؛ از جمله امکان پیگرد قضایی افراد یا ناشران متخلف که بدون مجوز اقدام به ترجمه یا انتشار آثار می‌کنند. در نتیجه، پذیرش کنوانسیون برن، مسیر مناسبی برای تقویت و سودآوری صنعت نشر مبتنی بر ضوابط قانونی به شمار می‌آید (میرحسینی، ۱۳۹۵: ۶۷).

علاوه بر این، دو پیامد مثبت دیگر نیز از این فرآیند ناشی می‌شود: نخست آنکه ناشران داخلی ناچار خواهند بود تا سیاست‌های خود را با معیارها و استانداردهای ناشران بین‌المللی تطبیق دهند؛ در نتیجه، همکاری با مترجمان حرفه‌ای افزایش یافته و سطح کیفی ترجمه‌ها ارتقاء خواهد یافت. دوم، حقوق مصرف‌کنندگان و خریداران آثار نیز بهتر حفظ می‌شود؛ زیرا آنان می‌توانند به ترجمه‌های دقیق، باکیفیت و قابل اعتماد از آثار دسترسی پیدا کنند. در واقع، صدور مجوز رسمی برای ترجمه، به نوعی تضمینی برای اعتبار و کیفیت اثر ترجمه‌شده محسوب می‌شود (میرحسینی، ۱۳۹۵: ۶۸). یکی از مزایای اصلی عضویت در معاهده برن این است که آثار تولید شده در کشورهای عضو به صورت خودکار در تمام کشورهای عضو تحت حمایت قرار می‌گیرند، و این موضوع به گسترش بازارهای بین‌المللی و منافع اقتصادی برای مؤلفان منجر می‌شود.

دلایل عدم پیوستن ایران به کنوانسیون برن

۱- عدم وجود صنعتی به نام فرهنگ

یکی از عوامل کلیدی در عدم عضویت ایران در کنوانسیون برن، فقدان شکل‌گیری صنعتی تحت عنوان «فرهنگ» است. تا پیش از سال ۱۳۸۶، چنین تلقی می‌شد که یارانه‌های دولتی صرفاً به انتشار تعداد معدودی آثار فرهنگی اختصاص می‌یابد. از آن زمان به بعد، اقداماتی برای تدوین قانونی جامع و منسجم در این حوزه آغاز شد، ولی هنوز به مرحله اجرا نرسیده است. در ایران، بانک‌ها فعالیت‌های فرهنگی را جزو مشاغل واجد شرایط دریافت تسهیلات نمی‌دانند و این حوزه نیز قابلیت ورود به بازار سرمایه را ندارد. به صورت غیررسمی نیز می‌توان گفت سیاست‌های موجود به گونه‌ای پیش رفته‌اند که امکان شکل‌گیری واقعی صنعت فرهنگ فراهم نشده است. در شرایط تحریم و نبود بازدهی مالی از تولیدات فرهنگی، الحاق به کنوانسیون برن عملاً بی‌فایده به نظر می‌رسد. تنها در صورت بهبود وضعیت اقتصادی، عضویت نیافتن در این کنوانسیون می‌تواند به ضرر تولیدکنندگان داخلی تمام شود؛ زیرا در غیاب حمایت از حقوق مؤلف، محصولات داخلی توان رقابت با نمونه‌های خارجی ارزان‌قیمت را از دست داده و در نتیجه، بسیاری از فعالان این حوزه با شکست مواجه می‌شوند. (کریمی، ۱۴۰۲: ۱۱۰)

۲- فرهنگ رایج در جامعه نسبت به دسترسی رایگان به آثار فکری

یکی از موانع اصلی پیوستن ایران به کنوانسیون برن، فرهنگ رایج دسترسی رایگان به آثار فکری است. در حال حاضر، استفاده از متون، نرم‌افزارها و محصولات فرهنگی بدون پرداخت هزینه به عنوان هنجار اجتماعی پذیرفته شده است. تغییر این الگوی ذهنی و ترویج فرهنگ پرداخت هزینه برای حقوق مالکیت فکری، فرآیندی زمان‌بر و پیچیده است. در صورت الحاق ایران به این کنوانسیون، الزامات قانونی جدید مانند رعایت حق تکثیر و محدودیت‌های استفاده غیرمجاز ممکن است با مقاومت عمومی مواجه شود.

از جنبه اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی نیز این چالش را تشدید می‌کند. عضویت در کنوانسیون برن در شرایط کنونی می‌تواند دسترسی مصرف‌کنندگان داخلی به محصولات خارجی را محدود کند، زیرا قیمت کالاهای دارای مجوز کمی‌رایت افزایش خواهد یافت. همچنین، رقابت ناعادلانه در بازار جهانی به نفع تولیدکنندگان خارجی است، زیرا محصولات آنها با نقض کمی‌رایت ارزان‌تر تولید و عرضه می‌شوند. این امر توان رقابتی تولیدکنندگان ایرانی را تضعیف کرده و انگیزه آنان برای نوآوری را کاهش می‌دهد. به این ترتیب، ابهام در توزیع منافع اقتصادی ناشی از الحاق به این معاهده، تصمیم‌گیری در این خصوص را به چالشی پیچیده تبدیل کرده است.

۳- عدم آگاهی لازم صاحبان آثار ادبی و هنری

یکی از دلایل اصلی عدم بهره‌مندی کامل صاحبان آثار ادبی و هنری از حقوق خود، نبود آگاهی کافی از قوانین مالکیت فکری است. بسیاری از پدیدآورندگان به دلیل ناآشنایی با حقوق مادی و معنوی خود و عدم تقاضا برای پیگیری نقض

این حقوق، قادر به استفاده از حمایت‌های قانونی نیستند. اگرچه "قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان" در سال ۱۳۴۸ تصویب شد، بسیاری از صاحبان آثار از آن بی‌اطلاع هستند و در صورت نقض حقوقشان، به مراجع قضایی مراجعه نمی‌کنند. نقض حقوق مادی و معنوی یک جرم خصوصی است که پیگیری آن تنها با شکایت رسمی امکان‌پذیر است. این ضعف در آگاهی و پیگیری، از اصلی‌ترین دلایل چالش‌های موجود در پیوستن ایران به کنوانسیون برن است، چرا که کنوانسیون از کشورهای عضو می‌خواهد سازوکارهای مشخصی برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان ایجاد کنند. اگر صاحبان آثار نتوانند از حقوق خود دفاع کنند، قوانین داخلی و بین‌المللی در این حوزه عملاً ضمانت اجرایی نخواهند داشت. به همین دلیل، عضویت ایران در کنوانسیون برن می‌تواند با چالش‌های حقوقی و اقتصادی روبه‌رو شود، تا زمانی که فرهنگ حقوقی پدیدآورندگان تقویت نشود.

۴- ایرادات فقهی

دلیل دیگر مربوط به ایراداتی است که برخی از فقها به موضوع حق شرعی مالکیت فکری و معنوی داشته و دارند. برخی از فقها معتقدند: «آنچه که معروف به حق طبع نزد افراد است؛ حق شرعی به شمار نمی‌آید و زائل نمودن سلطه مردم بر اموال شان بدون این که شرط و عقده‌ای در بین باشد جایز نیست و مجرد نوشتن جمله «حق چاپ و تقلید محفوظ است» حتی به وجود نمی‌آورد و التزام دیگران را به دنبال ندارد. پس افراد می‌توانند آن را چاپ و تقلید نمایند و کسی نمیتواند آنها را از این کار منع کند. برخی دیگر از فقها نیز دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. مثلاً برخی از فقها معتقدند حق طبع، تألیف، اختراع و مانند آن یک حق شرعی و قانونی است و از نظر اسلام باید به آن احترام گذاشت (کاظمی و حسینی، ۱۴۰۰: ۹۱).

۵- دغدغه‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی

مخالفتان عضویت ایران در کنوانسیون برن، به دلایل مختلف اجتماعی، حقوقی و اقتصادی استناد می‌کنند. یکی از دغدغه‌های اصلی آنان، تعهدات سنگینی است که با پذیرش این کنوانسیون ممکن است بر دوش کشور گذاشته شود. با این حال، باید در نظر داشت که این معاهده نه تنها از حقوق مؤلفان و خالقان آثار حمایت می‌کند، بلکه منافع عمومی را نیز مدنظر دارد. ورود به این کنوانسیون می‌تواند مانع از نقض حقوق ناشران و رفع برخی از محدودیت‌های کنونی شود، به‌ویژه در مواردی که آثار داخلی در عرصه بین‌الملل معرفی نمی‌شوند. هرچند خالقان آثار فرهنگی عمدتاً موافق پیوستن به کنوانسیون هستند، سرمایه‌گذاران نگرش متفاوتی دارند. یکی از موانع اصلی در مسیر عضویت، جنبه‌های سیاسی موضوع است؛ اما براساس ماده ۱۷ کنوانسیون، ایران اختیار دارد مانع انتشار آثار متعلق به کشورهای متخاصم شود. قوانین داخلی ایران در گذشته پیشرو بوده‌اند، اما در شرایط کنونی، پاسخگوی نیازهای نوظهور فرهنگی و حقوقی نیستند (کریمی، ۱۴۰۲: ۱۱۲).

۶- ایجاد تنش در صنعت نشر

یکی از دلایل عدم پیوستن ایران به کنوانسیون برن، فشارهایی است که بر صنعت نشر وارد خواهد شد. در حال حاضر، آثار نویسندگان خارجی بدون اجازه آنها در ایران ترجمه و منتشر می‌شود و این امر در زمینه‌هایی همچون فیلم، موسیقی و برنامه‌های رایانه‌ای نیز رخ می‌دهد. پیوستن به کنوانسیون برن موجب توقف این روندها خواهد شد و ناشران ایرانی مجبور به کسب مجوز از پدیدآورندگان خارجی خواهند بود، که این کار هزینه زیادی به همراه دارد. نتیجه آن افزایش هزینه چاپ و نشر آثار خارجی و محدود شدن دسترسی به محتواهای به‌روز خواهد بود، که می‌تواند رشد علمی کشور را محدود کند (بدخش، ۱۳۹۶: ۵۹).

تحلیل وضعیت موجود

ایران تاکنون به کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری نپیوسته است. این عدم الحاق به معنای آن است که آثار تولیدشده در ایران به‌طور خودکار تحت حمایت حقوقی بین‌المللی قرار نمی‌گیرند. به عبارت دیگر، پدیدآورندگان ایرانی نمی‌توانند از مزایای این معاهده بهره‌مند شوند، که شامل حفاظت از حقوق مؤلفان و پدیدآورندگان در کشورهای عضو است. عدم الحاق ایران به کنوانسیون برن موجب محدودیت در اعتبار جهانی ادبیات داستانی ایران و همچنین کاهش ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی ناشی از عدم حمایت از آثار پدید آورندگان است. عدم پیوستن ایران به کنوانسیون برن پیامدهای جدی به همراه دارد. یکی از این پیامدها نقص در حقوق مؤلفان است. بدون حمایت حقوقی بین‌المللی، پدیدآورندگان ایرانی به‌راحتی با نقض حقوق خود مواجه می‌شوند و این امر موجب کاهش انگیزه برای تولید آثار جدید می‌گردد. همچنین، این عدم پیوستن باعث کاهش اعتبار جهانی ادبیات داستانی ایران می‌شود. به این معنا که آثار ایرانی نتوانسته‌اند به‌طور کامل در عرصه بین‌المللی شناخته شوند و در بازارهای جهانی با موانع حقوقی مواجه‌اند. علاوه بر این، تحدید در ترجمه و انتشار آثار نیز از دیگر پیامدهای عدم الحاق به کنوانسیون برن است. ناشران خارجی به دلیل عدم تضمین حقوق مؤلف، تمایل کمتری به انتشار آثار ایرانی نشان می‌دهند، که این موضوع به کاهش تیراژ و تعداد آثار ترجمه‌شده منجر می‌شود. با توجه به این مسائل، وضعیت کنونی ایران در زمینه کنوانسیون برن نیازمند بررسی دقیق‌تری است تا بتوان به راهکارهای مؤثری برای بهبود شرایط و افزایش اعتبار ادبیات داستانی ایران در سطح جهانی دست یافت.

ایران تاکنون به این کنوانسیون نپیوسته و این امر، موافقان و مخالفان خاص خود را دارد. ازیکسو، موافقان پیوستن ایران به این کنوانسیون، آن را مقدمه ای برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و بهره مندی از منافع آن میدانند (مطابق با موافقتنامه تریپس به عنوان یکی از ملزومات پیوستن به سازمان تجارت جهانی، کشورهای عضو می بایست بخشهایی از مفاد کنوانسیون برن که در ماده ۹ موافقتنامه تریپس آمده است را رعایت نمایند. و از سوی دیگر، مخالفان بر این نکته تأکید دارند که ایران از کشورهای مصرف کننده محتوای ادبی و هنری در سطح جهان بوده و پیوستن به کنوانسیون برن، میتواند هزینه های فراوانی را به مردم و فرآیند توسعه علمی و فرهنگی کشور تحمیل نماید (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

۲-۱- ضعف جریان ترجمه

ترجمه به عنوان یک ابزار اساسی برای گسترش ادبیات و فرهنگ، نقش حیاتی در برقراری ارتباطات فرهنگی بین ملل مختلف ایفا می کند. ارتباط میان ترجمه و جامعه از گذشته های دور موضوعی مهم در مطالعات ترجمه بوده و به طور گسترده بررسی شده است. پژوهشگران غربی ترجمه را نوعی کنش اجتماعی می دانند؛ از دیدگاه آنان، مترجم عضوی از نظام اجتماعی است، بنابراین در چارچوب جامعه معنا پیدا می کند و نقش اجتماعی ایفا می کند. همچنین، متنی که مترجم تولید می کند، یعنی متن ترجمه، در بستر جامعه تولید و مصرف می شود. این پژوهشگران بر این باورند که جامعه و نهادهای اجتماعی مسئول انتخاب، تولید، توزیع و مصرف ترجمه ها هستند و در نتیجه، راهبردهای ترجمه در هر جامعه و دوره زمانی خاصی شکل می گیرند (وفوکاری و ولف، ۲۰۰۷: ۵). آنها معتقدند با تحلیل رابطه میان نویسنده، متن، ترجمه و مخاطبان در جامعه می توان به ویژگی های ترجمه در هر دوره تاریخی پی برد. همچنین، این رابطه به صورت معکوس نیز برقرار است؛ یعنی با مطالعه ویژگی های ترجمه و مخاطبان آن در جامعه می توان به برخی جنبه های اجتماعی آن دوره دست یافت. ماکان در خصوص مزایا و معایب جریان ترجمه چنین اعتقاد دارد که توجه به جریان ترجمه گرچه نفع فراوانی داشته است اما این زیان را هم داشت که کار تالیف و تصنیف را تضعیف کرد. به این معنا که ذهن های پژوهشگر به جای اینکه در پی خلق آثار باشند بیشتر به دنبال ترجمه آثار خارجی رفتند که این در واقع یک ایستایی و عدم پویایی در طریق فعالیت های فرهنگی بوده است. اما از دهه ۶۰ به این سو، ترجمه حالت انفجاری پیدا کرده طوری که تعداد مترجمان نواحسته و نورسته چندان زیاد شد که کار مترجمان اصیل و واقعی را خدشه دار کرد و از آنجا که رشته های ترجمه در دانشکده های مختلف ایجاد شد و دانشجویان زیادی در خارج از کشور تحصیل کرده و بازگشته بودند به گمان اینکه چون یک زیان خارجی را می دانند و می توانند، دست به چنین کار خطیری زدند. به همین دلیل آثار بسیار ارزنده زبان های دیگر را به بدترین صورت ترجمه کردند که لطمه شدیدی نه تنها به آثار، بلکه به زبان فارسی وارد شد. از این رو اهل مطالعه نسبت به آثار ترجمه شده نگاهی تردیدآمیز پیدا کردند و از آنجا که چهره های معروف در حوزه ترجمه مثل محمد قاضی، ابراهیم یونسی، شاهرخ مسکوب، نجف دریابندری و احمد آرام یا چهره در نقاب خاک کشیده اند یا به دلیل کهولت و بیماری از فعالیت بازایستادند و شب پرها با کنار هم گذاشتن چند کتاب لغت گمان کردند که مترجم هستند بی آنکه زبان فارسی یعنی زبان مقصد را به درستی بدانند اعتبار ترجمه در ایران به شدت تنزل یافت و امروز به جرات می توان گفت که کمتر کتاب ترجمه شده ای است که بتوان به آن اعتماد کرد که دقیقاً برابر با متن اصلی باشد و کار حتی به جایی کشیده شده که برخی مترجمان برای اینکه بتوانند از جریان ممیزی عبور کنند مطالبی از خود بر کتاب می افزایند یا حتی از کتاب حذف می کنند و این لطمه بزرگی است که به صنعت ترجمه که زمانی در ایران بسیار شکوفا و بالنده شده بود خورده است. علت اصلی هم در این است که دستگاه های کلان فرهنگی توجه لازم در این خصوص به خرج نمی دهند و به هر آنچه به نام ترجمه به دست شان می رسد اجازه نشر می دهند. (مصاحبه با محمد بقایی ماکان، ۱۳۹۳).

ماکان در ادامه همچنین معتقد است که ما در کار ترجمه با مشکلات زیادی رو به رو هستیم که همه آنها ریشه در عدم مدیریت فرهنگی دارد. به این معنا که در وهله اول سازمانی به نام "بانک ترجمه در ایران" وجود ندارد و مترجمان نمی دانند چه کتاب هایی تاکنون ترجمه شده است، به همین علت گاه کتاب هایی تکراری ترجمه می شوند. البته تا اینجای قضیه اشکالی وجود ندارد زیرا هر مترجمی سبک و سیاق خاص خود را دارد که شاید برای برخی خوانندگان قابل قبول باشد و قلم یک مترجم را نسبت به قلم مترجم دیگری ترجیح دهند. اما اشکال اساسی در این است که بسیاری از کتاب ها در دهه های گذشته، به دلیل عدم تعاملات فرهنگی، مسائل اقتصادی یا به سبب تحریم ها یا بنا به هر علت دیگر به ایران نرسیده است.

هم چنین ضعف ترجمه در ایران عدم رقابت با نویسندگان بین المللی را به دنبال دارد. در ادبیات داستانی ایران، به ویژه در میان نویسندگان انقلابی، ترجمه می تواند به معرفی دیدگاه ها و تجربیات اجتماعی و سیاسی نویسندگان ایرانی به مخاطبان جهانی کمک کند. این ارتباط نه تنها به درک بهتر فرهنگ و ادبیات ایران می انجامد بلکه موجب می شود که آثار ایرانی در سطح بین المللی شناخته شده و ارزش گذاری شوند. علاوه بر این، ترجمه آثار مهم ادبی از زبان های دیگر به فارسی می تواند به غنای ادبیات داستانی ایران کمک کند و افق های جدیدی از تفکر و روایت را به نویسندگان ایرانی معرفی نماید. در این راستا، ترجمه به عنوان پل ارتباطی، می تواند در تسهیل تبادل فرهنگی و اجتماعی میان ملت ها نقش مهمی ایفا کند. با وجود اهمیت ترجمه، موانع متعددی در مسیر توسعه ترجمه آثار ادبی در ایران وجود دارد. یکی از مهم ترین

موانع، کمبود حمایت از سوی نهادهای دولتی و خصوصی است. به دلیل نبود سیاست‌های حمایتی مشخص، فرآیند ترجمه و نشر آثار ادبی با چالش‌های فراوانی مواجه است. علاوه بر این، عدم وجود شبکه‌های منسجم میان مترجمان، ناشران و نویسندگان می‌تواند منجر به کاهش کیفیت و سرعت در فرآیند ترجمه شود. در این شرایط، مترجمان به ندرت فرصت دارند که با نویسندگان و ناشران در ارتباط باشند و از این طریق اطلاعات و نظرات یکدیگر را به اشتراک بگذارند. کیفیت ترجمه‌ها نیز یکی دیگر از مشکلات جدی در ادبیات داستانی ایران است. بسیاری از آثار ترجمه‌شده به دلیل کمبود مترجمان متخصص و عدم تسلط کافی بر زبان‌های مبدا و مقصد، ممکن است از لحاظ دقت و انتقال صحیح مفاهیم با مشکلاتی مواجه شوند. این ضعف می‌تواند منجر به ایجاد تصورات نادرست از فرهنگ و ادبیات ایرانی در خارج از کشور گردد. علاوه بر این، برخی ترجمه‌ها ممکن است به طور کامل روح اثر اصلی را منتقل نکنند و این می‌تواند بر دیدگاه مخاطبان نسبت به ادبیات ایرانی تأثیر منفی بگذارد. به همین دلیل، ضرورت دارد که توجه ویژه‌ای به آموزش و تربیت مترجمان متخصص در حوزه ادبیات داستانی معطوف گردد تا با ارتقاء کیفیت ترجمه‌ها، آثار ایرانی به طور صحیح و با ارزش به مخاطبان جهانی عرضه شوند.

برای رفع این چالش‌ها و بهبود وضعیت ترجمه در ایران، نیاز به اقداماتی اساسی داریم. نخستین گام در این راستا، توجه ویژه به آموزش و تربیت مترجمان متخصص است. دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی باید برنامه‌های آموزشی جامع و تخصصی در حوزه ترجمه ادبیات داستانی ارائه دهند تا مترجمان بتوانند با تسلط کافی به انتقال دقیق مفاهیم و فرهنگ آثار پرداخته و کیفیت ترجمه‌ها را ارتقاء دهند. این امر به ویژه برای ترجمه آثار نویسندگان انقلابی که اغلب شامل مفاهیم پیچیده و خاص فرهنگی هستند ضروری است. علاوه بر این نهادهای دولتی و خصوصی باید به طور جدی از پروژه‌های ترجمه حمایت کنند. این حمایت‌ها می‌تواند به شکل تامین مالی، تسهیل فرآیند نشر، و فراهم آوردن منابع آموزشی برای مترجمان باشد. همچنین ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان مترجمان، ناشران، و نویسندگان می‌تواند به افزایش همکاری‌ها و تسهیل فرآیند ترجمه کمک کند و به این ترتیب کیفیت و سرعت ترجمه‌ها بهبود یابد. این مساله برای نویسندگان انقلابی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا ترجمه دقیق آثارشان می‌تواند به شناخت بهتر جهانیان از مبارزات اجتماعی و سیاسی ایران کمک کند. در نهایت، برقراری سیاست‌های فرهنگی و آموزشی هدفمند در این حوزه و توجه به ارزش ترجمه در شناساندن هرچه بهتر ادبیات داستانی ایران به جهانیان، می‌تواند گام‌های مؤثری در راستای بین‌المللی شدن ادبیات ایرانی بردارد. با این اقدامات، می‌توان به گسترش و معرفی صحیح آثار ایرانی در سطح بین‌المللی امیدوار بود و آن‌ها را در مسیر رشد و تعالی قرار داد.

تحلیل آماری ترجمه آثار ادبیات داستانی از فارسی به زبان‌های دیگر (۱۳۶۸-۱۳۹۲)

آمار کتابهای ترجمه شده از فارسی به سایر زبان ها در حوزه ادبیات داستانی																	
سال	رده سنی	کردی	فارسی/کردی	انگلیسی	فارسی/انگلیسی	ایتالیایی	فارسی/فرانسه	فرانسه	فارسی/انگلیسی/فرانسوی	روسی	ترکی	آلمانی	عربی	ارمنی	یونانیایی	اسپانیایی	کل کتابها
۱۳۶۸	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۶۹	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۷۰	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۷۱	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۷۲	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۷۳	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۷۴	بزرگسال																۱
	کودک		۱														۰
۱۳۷۵	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۷۶	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۷۷	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۷۸	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۷۹	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۸۰	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۸۱	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۸۲	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۸۳	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۸۴	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۸۵	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۸۶	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۸۷	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۸۸	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۸۹	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۹۰	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۹۱	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۹۲	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۹۳	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۹۴	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۹۵	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۹۶	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۹۷	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۹۸	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۳۹۹	بزرگسال																۰
	کودک																۰
۱۴۰۰	بزرگسال																۰
	کودک																۰

تحلیل آماری ترجمه آثار ادبیات داستانی از فارسی به زبان های دیگر (۱۳۶۸-۱۳۹۲)
(داده ها دریافتی از خانه کتاب و ادبیات ایران، ۱۴۰۳ زمستان)

داده‌های آماری مربوط به ترجمه آثار ادبیات داستانی از فارسی به سایر زبان‌ها طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲، نشان‌دهنده رشد تدریجی اما ناپیوسته و گاه پراکنده این حوزه است. براساس اطلاعات ارائه‌شده، در سال‌های ابتدایی این دوره (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳) هیچ اثر داستانی از فارسی به زبان‌های دیگر ترجمه نشده بود یا این ترجمه‌ها به حدی محدود بوده‌اند که در گزارش ثبت نشده‌اند. نخستین مورد ثبت‌شده مربوط به سال ۱۳۷۴ و تنها با یک عنوان ترجمه برای کودکان به زبان کردی است. این روند به تدریج در اواخر دهه ۱۳۷۰ شتاب بیشتری گرفته و در دهه ۱۳۸۰ تنوع زبانی و کمی آثار افزایش یافته است.

در طول این بازه‌ی ۲۵ ساله، مجموعاً ۲۳۳ عنوان کتاب داستانی از فارسی به زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند؛ از این میان، ۹۴ عنوان مربوط به گروه بزرگسال و ۱۳۹ عنوان متعلق به گروه کودک و نوجوان بوده است. این آمار نشان می‌دهد که سهم کودک و نوجوان در ترجمه‌های بین‌المللی نسبت به گروه بزرگسال بیشتر بوده (حدود ۶۰٪ کل آثار ترجمه شده).

از نظر زبانی، بیشترین ترجمه‌ها به زبان انگلیسی صورت گرفته که در مجموع ۵۱ عنوان (۲۹ عنوان بزرگسال و ۲۲ عنوان کودک) را دربر می‌گیرد. پس از آن، زبان عربی با ۴۳ عنوان (۱۴ بزرگسال و ۲۹ کودک) و زبان فرانسوی با ۳۲ عنوان (ترکیبی از ترجمه‌های مستقیم و ترکیبی) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. سایر زبان‌های مقصد شامل کردی، روسی، ترکی، آلمانی، ایتالیایی، ارمنی، اسپانیایی و بوسنیایی هستند که با فراوانی کمتر اما با پراکندگی قابل‌توجه، در این جدول ثبت شده‌اند.

روند زمانی داده‌ها حاکی از آن است که تا پیش از سال ۱۳۸۰، مجموع ترجمه‌های انجام‌شده بسیار محدود بوده و عمدتاً در قالب تک‌عنوان‌ها در برخی زبان‌ها (عمدتاً انگلیسی و کردی) ظاهر شده است. از سال ۱۳۸۱ به بعد، یک افزایش نسبی در آمار مشاهده می‌شود و این افزایش از سال ۱۳۸۹ شتاب بیشتری می‌گیرد. در واقع، چهار سال پایانی دوره یعنی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲، بیش از ۶۰٪ کل آثار ترجمه‌شده را شامل می‌شوند. به‌ویژه در سال ۱۳۹۰، با ۲۷ عنوان، و سال ۱۳۸۹ با ۱۴ عنوان، بیشترین تعداد ترجمه ثبت شده است.

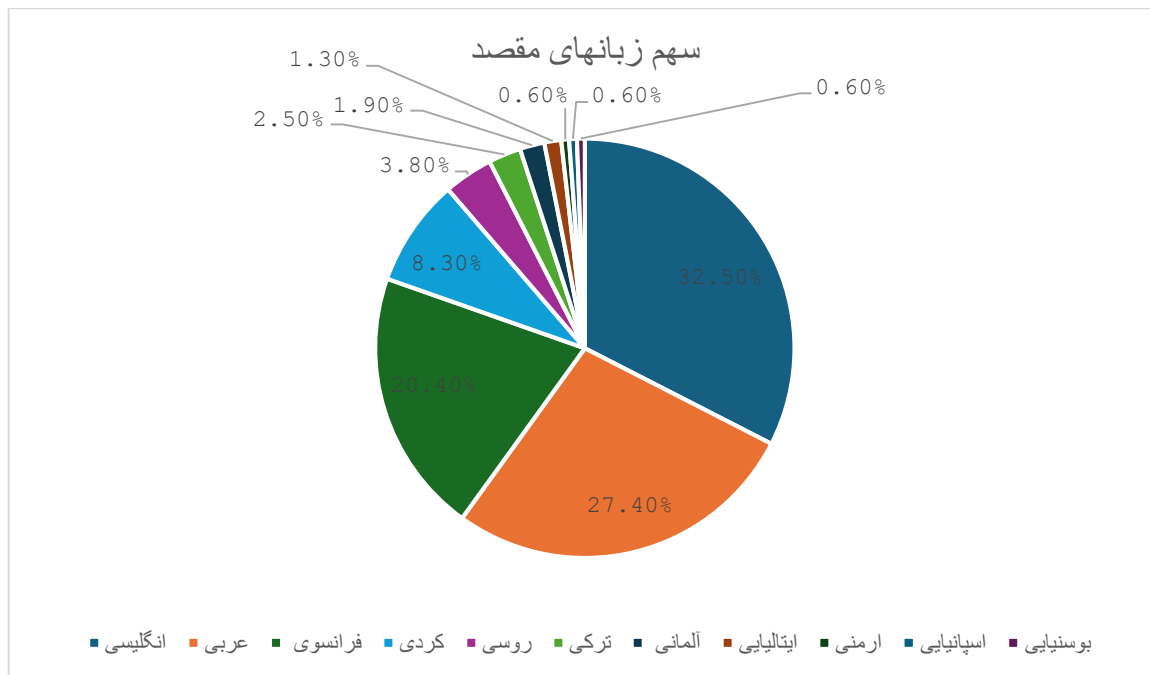
در تحلیل رده‌های سنی، سال ۱۳۹۰ نقطه اوج ترجمه آثار کودک و نوجوان است؛ در این سال، ۲۱ عنوان از آثار کودک و نوجوان به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند که معادل بیش از ۱۵٪ از کل ترجمه‌های این گروه سنی طی دوره‌ی ۲۵ ساله است.

از حیث ترکیب زبانی، روند رشد ترجمه‌های ترکیبی (مثلاً فارسی/انگلیسی، فارسی/فرانسوی و...) نیز از دهه ۱۳۸۰ آغاز شده و به‌ویژه در سال‌های پایانی نمود بیشتری یافته است. این ترجمه‌های ترکیبی اغلب نشان‌دهنده تلاش برای انتشار چندزبانه آثار (به‌ویژه برای مخاطبان کودک) یا مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی نشر بوده‌اند. توزیع زبانی آثار ترجمه‌شده به تفکیک فراوانی به شرح زیر است:

تعداد ترجمه‌ها	کل زبان مقصد
۵۱	انگلیسی
۴۳	عربی
۳۲	فرانسوی (شامل ترکیبی)
۱۳	کردی
۶	روسی
۴	ترکی
۳	آلمانی
۲	ایتالیایی
۱	ارمنی، اسپانیایی، بوسنیایی هرکدام ۱ عنوان

جدول توزیع فراوانی آثار ترجمه شده. منبع نویسنده

نکته مهم آن که تعداد ترجمه‌ها نسبت به کل حجم آثار داستانی منتشرشده در ایران (که به بیش از ۲۵۰۰ عنوان در سال ۱۳۹۲ رسیده بود)، بسیار محدود است. این موضوع نشان می‌دهد که با وجود رشد کمی در تولید ادبیات داستانی فارسی، روند برون‌رفت آن به بازارهای بین‌المللی و ترجمه به زبان‌های دیگر هنوز در سطح بسیار ابتدایی قرار دارد. در پایان، مشابه تحلیل قبلی، باید تأکید کرد که این گزارش صرفاً بر مبنای داده‌های کمی تنظیم شده و به دلیل فقدان اطلاعات محتوایی، از هرگونه تحلیل کیفی (ژانری، ساختاری، میزان استقبال مخاطبان خارجی و...) پرهیز شده است. با این حال، داده‌های موجود تصویری کمی و قابل اتکا از وضعیت ترجمه آثار داستانی فارسی طی ۲۵ سال ارائه می‌دهند که می‌تواند مبنای تحلیل‌های تکمیلی فرهنگی، اقتصادی و سیاست‌گذاری قرار گیرد.



نمودار درصدی سهم زبانهای مقصد از ترجمه آثار از زبان فارسی منبع: طراحی توسط دانشجو

۱-۳ فعالیت ناکافی آژانس های ادبی و وضعیت فعلی آنها در ایران

آژانس های ادبی، به عنوان ارکان اصلی صنعت نشر در کشورهای پیشرفته، نقشی حیاتی در برقراری ارتباط میان نویسندگان، مترجمان و ناشران داخلی و بین المللی ایفا می کنند. این آژانس ها به ویژه در بازارهای جهانی، به عنوان واسطه ای میان نویسندگان و ناشران عمل می کنند و در فرآیندهای پیچیده حقوقی، چاپ و توزیع کتاب ها کمک شایانی می نمایند. آژانس های ادبی در بسیاری از کشورها، به ویژه در کشورهای با صنعت نشر پیشرفته، عامل اساسی در معرفی آثار نویسندگان و مترجمان به بازارهای بین المللی و تأسیس ارتباطات میان فرهنگی هستند. این آژانس ها توانایی تشخیص بازارهای هدف، سلیقه و ذائقه مخاطبان را دارند و می توانند نویسندگان و مترجمان را در انتخاب موضوعات و سوره های که با استقبال مخاطبان روبرو می شود، راهنمایی کنند.

در ایران، اما آژانس های ادبی علی رغم شروع فعالیت های خود از سال ۱۳۷۹، به طور کامل نتوانسته اند نقش خود را در بین المللی شدن ادبیات ایران ایفا کنند. یکی از دلایل اصلی این امر، عدم عضویت ایران در کنوانسیون های بین المللی کپی رایت مانند کنوانسیون برن و توافق بوینس آیرس است که باعث شده آژانس های ادبی خارجی از همکاری با نویسندگان ایرانی اجتناب کنند و تنها به صورت موردی و محدود با آنان تعامل داشته باشند. این محدودیت ها موجب شده که نویسندگان ایرانی نتوانند آثار خود را به طور مؤثر در سطح جهانی معرفی کنند و نتایج مثبتی از تعاملات بین المللی در این زمینه حاصل نشود.

علاوه بر این، در صنعت نشر ایران، نویسندگی و مترجمی به عنوان یک حرفه مستقل و پربازده شناخته نمی شود. این در حالی است که در سایر حوزه ها نظیر ورزش و سینما، حرفه ای بودن با استفاده از مدیر برنامه ها و آژانس ها پشتیبانی می شود. در عرصه ادبیات، آژانس های ادبی می توانند همان نقش حمایتی و مشاوره ای را ایفا کنند، اما به دلیل ضعف در ساختار نشر و عدم حمایت های مالی و دولتی، این روند به طور کامل در ایران تحقق نیافته است. در این راستا، ناشران خارجی معمولاً به طور مستقیم با نویسندگان ایرانی ارتباط برقرار نمی کنند و تنها از طریق آژانس های ادبی آثار کپی رایت شده را خریداری می کنند. این مشکل موجب شده که در فرآیند نشر بین المللی آثار ایرانی، نویسندگان ایرانی نتوانند ارتباطات مستقیم و مؤثری با ناشران خارجی برقرار کنند.

از سویی نمایشگاه های کتاب به ویژه نمایشگاه کتاب تهران، فرصت هایی مهم برای برقراری روابط حرفه ای و تجاری میان نویسندگان ایرانی و ناشران بین المللی هستند. اما در این نمایشگاه ها نیز، به دلیل عدم حضور آژانس های ادبی و نهادهای رایت ناشران خارجی، فرصت های کمی برای مذاکرات مستقیم میان نویسندگان ایرانی و ناشران بین المللی فراهم می شود. این امر باعث می شود که نمایشگاه های کتاب در ایران نتوانند به طور کامل از پتانسیل های خود برای بین المللی شدن ادبیات ایران بهره برداری کنند.

آژانس های ادبی و آثار نویسندگان انقلابی

آژانس های ادبی، به ویژه در زمینه معرفی آثار نویسندگان انقلابی ایران، می توانند نقشی اساسی ایفا کنند. نویسندگان انقلابی ایران با آثار خود، که غالباً از منظر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بسیار غنی هستند، می توانند در سطح جهانی

شناخته شوند. آژانس‌های ادبی می‌توانند با معرفی این نویسندگان و آثارشان به مخاطبان جهانی، فرصت‌های جدیدی برای تبادل فرهنگی و اجتماعی فراهم کنند. این آژانس‌ها با کمک به ترجمه آثار و برقراری ارتباطات میان ناشران داخلی و خارجی، می‌توانند به عنوان یک پل ارتباطی میان فرهنگ ایران و سایر ملت‌ها عمل کنند و در گسترش و بین‌المللی شدن ادبیات ایران مؤثر باشند.

اما به دلیل مشکلات موجود در صنعت نشر ایران و عدم حضور آژانس‌های ادبی معتبر، آثار نویسندگان انقلابی ایران نمی‌توانند به طور گسترده و مؤثر در سطح جهانی معرفی شوند. این مشکل باعث می‌شود که این نویسندگان نتوانند به طور کامل در سطح جهانی شناخته شوند و از فرصت‌های بین‌المللی برای انتشار آثار خود بهره‌برداری کنند. در نتیجه، بهبود وضعیت آژانس‌های ادبی در ایران و رفع موانع موجود، به ویژه در حوزه حقوق و تجاری، می‌تواند تأثیر بسزایی در بین‌المللی شدن ادبیات ایران و به ویژه آثار نویسندگان انقلابی داشته باشد. یک آژانس ادبی، بازار نشر و عوامل و ظرفیت‌های آن را به خوبی می‌شناسد و منبع موثقی برای ناشران و نویسندگان برای مشاوره و تعامل کاری و حرفه‌ای است. او سلیقه و ذائقه مخاطب را میداند و می‌تواند به ناشران، نویسندگان و مترجمان مشاوره دهد که چه نوع کتاب‌هایی با چه موضوعاتی در بازار روز مخاطب بیشتری دارد. نویسنده یا مترجم در تعامل مستمر با آژانس ادبی می‌تواند سوزها و ایده‌های جدید و مورد پسند و توجه مخاطبان را شناسایی و در آن موضوعات، کتاب تالیف یا ترجمه کند تا آژانس‌ها و ناشران بیشتری طالب انتشار اثرش باشند. دایره فعالیت آژانس‌های ادبی بیش از آنکه به داخل کشورها محدود شود، فرامرزی و بین‌المللی است.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهند که جهانی‌شدن ادبیات داستانی ایران به ویژه آثار نویسندگان انقلابی، تحت تأثیر سه مانع اصلی قرار دارد: عدم پیوستن به کنوانسیون برن، روند نامناسب ترجمه و ضعف عملکرد آژانس‌های ادبی داخلی. برای بهبود این وضعیت، لازم است که در سیاست‌های ترجمه بازنگری‌های اساسی صورت گیرد، آژانس‌های ادبی داخلی تقویت شوند و پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی، به ویژه کنوانسیون برن، به عنوان یک گام ضروری در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که علی‌رغم ظرفیت‌های بالقوه و غنی ادبیات داستانی انقلابی ایران، سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی به دلیل موانع ساختاری و حقوقی متعدد، از جمله عدم عضویت در کنوانسیون برن، ضعف جریان ترجمه و ناکارآمدی نهادهای ادبی داخلی، نتوانسته است این آثار را به شکل مؤثری در سطح جهانی معرفی کند. این محدودیت‌ها نه تنها مانع از جهانی‌شدن ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی شده، بلکه فرصت بهره‌برداری از ظرفیت‌های دیپلماسی نرم و ارتقای گفتمان فرهنگی ایران را کاهش داده است.

بر این اساس، به منظور رفع این موانع و تسریع روند جهانی‌شدن آثار ادبی انقلابی، اتخاذ راهکارهای چندجانبه و هماهنگ ضرورت می‌یابد. نخست، تقویت زیرساخت‌های حقوقی و نهادی از طریق پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی، به ویژه کنوانسیون برن، می‌تواند بستر قانونی لازم برای تسهیل ترجمه و نشر جهانی آثار فراهم سازد. همچنین، توسعه و تقویت آژانس‌های ادبی به عنوان واسطه‌های تخصصی میان نویسندگان و ناشران بین‌المللی، نقش کلیدی در تسریع معرفی و انتشار این آثار ایفا خواهد کرد.

دوم، ارتقای سیستم آموزشی ترجمه با تمرکز بر تربیت مترجمان حرفه‌ای و متخصص در حوزه ادبیات داستانی انقلابی، به ویژه در انتقال دقیق مفاهیم فرهنگی و سیاسی، می‌تواند کیفیت ترجمه‌ها را به طور چشمگیری افزایش دهد و امکان انتقال مؤثر گفتمان فرهنگی ایران را فراهم آورد. سوم، حمایت مالی و سیاست‌گذاری هدفمند از سوی دولت و بخش خصوصی، از طریق تخصیص منابع و ایجاد مشوق‌های مالی برای ناشران بین‌المللی، زمینه لازم برای ترجمه و نشر گسترده‌تر آثار را فراهم خواهد کرد.

چهارم، ایجاد و گسترش شبکه‌های ارتباطی بین‌المللی میان مترجمان، ناشران و نویسندگان ایرانی و همتایان خارجی از طریق پلتفرم‌ها و رویدادهای مشترک، می‌تواند به تبادل فرهنگی مؤثر و ارتقای جایگاه ادبیات ایرانی در جهان کمک کند. استفاده هوشمندانه از دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزاری برای معرفی آثار انقلابی، ضمن جذب مخاطب جهانی، در گسترش نفوذ گفتمان فرهنگی جمهوری اسلامی نیز مؤثر خواهد بود.

در نهایت، بازنگری و اصلاح سیاست‌های کلان فرهنگی کشور در جهت ادغام استراتژی‌های ترجمه و نشر بین‌المللی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اتخاذ رویکردی یکپارچه و منسجم در این حوزه می‌تواند جهانی‌شدن ادبیات داستانی

انقلابی را به یک اولویت ملی تبدیل کرده و روند توسعه فرهنگی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران را در عرصه بین‌المللی تسریع نماید.

منابع

- افتخاری، اصغر، کمالی، علی (۱۳۹۴)، " ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی"، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم ، ۵:۱۲ ، صص ۹-۲۷
- بدخش، سعید(۱۳۹۶)، مالکیت ادبی هنری، چاپ اول تهران، انتشارات منشور سمیر
- حنیف، محمد(۱۳۹۵)، داستان سیاسی، داستان انقلاب. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- جعفری، علی اکبر، قربی، سید محمد جواد(۱۳۹۷)، "منابع قدرت نرم در جمهوری اسلامی، مطالعه کمی سیاست های کلی علم و فناوری"، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۸:۲۷، صص ۱۵۱-۱۷۵
- خسروی شکیب، محمد، جواد، پروین و محمد رضا نعمتی (۱۴۰۲)، " تحلیل جامعه شناختی هزار و یکشب با تاکید بر نظریه قدرت نرم میشل فوکو"، پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۲:۴: صص ۱۲۷-۱۴۲
- سوری قریونند، حسین و رشیدی، مهدی(۱۳۹۰)، "بررسی نری مفهوم قدرت نرم و منابع آن در ایران"، فصلنامه امنیت نرم، سال اول، شماره اول
- سرشار، محمد رضا(۱۳۹۲)، روز نگاشت هایی درباره ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- شهرستانی، حسین(۱۳۹۱)، "حوزه خصوصی و قدرت نرم دولت"، ماهنامه سوره، شماره ۶۲-۶۳
- صفایی، سید حسین، (۱۳۸۶)، حقوق مدن و حقوق تطبیقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان
- فتاحی اردکانی، حسین، مسعود نیا، حسین، امام جمعه زاده، سید جواد(۱۳۹۷)، " تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده ی آن از دیدگاه جوزف نای"، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قدرت نرم، ۸:۱۸، صص ۱۳۰-۱۵۲
- قاسمی، محسن(۱۳۸۵)، " سیر تحول حقوق مولف در جامعه بین المللی"، مجله حقوقی مرکز امور حقوق بین الملل، شماره ۳
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۹)، شناخت ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس
- کریم زاده، الناز، (۱۳۹۵)، قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری (ملی و بین المللی)، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل
- کریمی، سولماز(۱۴۰۲)، " بررسی دلایل عدم الحاق ایران به کنوانسیون برن (از نظر حقوق ادبی و هنری)"، فصلنامه تمدن حقوقی، ۶:۶۱ صص ۱۰۱-۱۱۴
- کاظمی، علی و حسنی، علیرضا(۱۴۰۰)، الحاق ایران به کنوانسیون برن و تاثیر آن بر حقوق مالکیت فکری در ایران، چاپ اول، تهران،
- محمد زاده وادقانی، علیرضا(۱۳۹۶). برگردان نو و برداشتی از مواد معاهده برن سند پاریس ۱۹۷۱، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- میر حسینی، حسن (۱۳۹۵)، فرهنگ حقوق مالکیت معنوی، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان
- نای، جوزف (۱۳۸۲)، "قدرت نرم، سیاست خارجی"، ترجمه حسینی مقدم، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۹
- نای، جوزف(۱۳۸۹)، قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: امام صادق (ع).
- نای، جوزف (۱۳۹۲)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی
- مصاحبه با محمد بقایی ماکان، مصاحبه شونده: عاطفه شمس. ۱۳۹۳/۱۱/۲۷

- Nye, J. S. (۲۰۰۴). Soft Power: The Means to Success in World Politics. PublicAffairs.
- Wolf, M. & Fukari, (2007). Constructing a sociology of translation. Amsterdam: John Benjamin.

